

ما هرگونه اقدام تجار و کارخانه عراق علیه ایران را چه بصورت انفجارات و تحریک عناصر ناآگاه در خوزستان چه اخراج ایرانیان مقیم عراق و چه تبلیغات رادیویی و پناه دادن به تهاجم‌ها و رژیم شاه محکوم می‌کنیم.

# اختلافات ایران و عراق : نوظئه‌ای علیه خلقهای دو کشور

که از پایگاه اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند بارها مورد قتل عام قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر خود دستخوش انحرافات رویزیونیستی گشته‌اند. احزاب ناسیونالیستی چه در بین کردها ( حزب دموکرات کردستان ) و چه در بین اعراب ( حزب بعث ، جنبش ناسیونالیستهای عرب ، ناصریستها ) پایگاههای وسیع پیدا کرده‌اند و هر یک بنوبه خود سعی در دست گرفتن قدرت سیاسی داشته و بارها با توسل به کودتا و خونریزی و سرکوب نیروهای حریف چندصاحبی در رأس کار باقی مانده‌اند تا نوبت به دستهای دیگر رسیده و قدرتمندان را از کار برکنار کرده‌است. برای مثال : کودتای انقلابی ملی عبدالکریم قاسم ( ۱۹۵۸ ) ، کودتای عبدالسلام عارف ( ۱۹۶۳ ) ، قتل او و روی کار آمدن عبدالرحمن عارف ( ۱۹۶۵ ) ، کودتای حسن البکر - صدام حسین ( ۱۹۶۸ ) و بالاخره کناره رفتن حسن البکر و قدرت کامل صدام حسین ( ۱۹۷۹ ) ، و در این میان چه بسیار کودتاها که کشف و خنثی شده و چه سرکوبها که علیه بلندشدن هر صدای اعتراضی عملی گردیده است .

جنگ عادلانه کردها برای احقاق حق تعیین سرنوشت بارها در کردستان عراق شعله ور شده و گاه چندسال پیاپی دوام داشته ، موقتاً با سازش رهبران عشیرتی کردها و زمامداران بغداد فروکش کرده و طولی نکشیده که ساز جنگ از سر گرفته شده است .

اختلافات بین ایران و عراق ، حملات متقابل - دیپلماتیک و تبلیغاتی و تهدیدهای متبادل بین دو کشور ، امر تازه‌ای نیست ، بلکه سابقه چندین ساله دارد . اما این بار " چه کاسه‌ای زیر نیم کاسه " است ؟ و موضع ما در قبال مسائلی که دولتهای عراق و ایران مطرح می - کنند و توده‌های ستمدیده دو کشور را با آنها به اختلاف و درگیری می کشانند چیست ؟

نگاهی به برجسته‌ترین خطوط سیمای رژیمهای شور ، و توجه به موضع بین المللی آنها و بویژه موقعیت مهمشان در منطقه غنی و نفتخیز خلیج فارس موضوع را روشن تر می کند .

## نگاهی به وضعیت کشور عراق

۱ - عراق کشوری است با قریب ۱۰ میلیون جمعیت با اقتصاد متکی بر کشاورزی و صنایع کوچک نوپا و بطور عمده متکی بر صدور نفت خام .

۲ - عراق کشوری است چندملیتی مرکب از کردها در شمال و اعراب در دیگر مناطق کشور که دسته دوم بین خود اختلافات دیرینه از نوع شیعه ( در مناطق جنوبی و قسمتی از بغداد ) و سنی دارند .

۳ - مبارزه طبقاتی در عراق از ۱۹۲۰ ( سال استقلال عراق ) از استعمار انگلیس ( بعد ، به ظهور احزاب مختلف و در - گیریهای شدید بین آنان انجامیده است . کمونیستها

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران**



نژاد پرست ملی، ستم مذهبی نیز عمدتاً بشکل محروم - ست حیل عظیم جمعیت شیعیان عراق از بسیاری حقوق اجتماعی آنان عملی گشته است. تعداد شیعیان عراق نزدیک به نصف کل جمعیت است. بین طبقات محروم جامعه معنی کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان رشد آگاهی انقلابی و سوسیالیستی هر چند قوی نیست و کارگران اردا شدن حزب واقعی خود محرومند، اما روز بروز بر میزان آگاهی آنان افزوده میشود و رژیم با فرمهای کونا کون خود نتوانسته است اعتماد زحمتکشان را به خویش جلب کند. نمود این عدم اعتماد در ادرسیستم پلیسی بسیار ناسیسی ای با دیدید که عرصه را بر زحمتکشان و روشن نکران نماینده آنان شدت تنگ کرده است.

فرسینهای رژیم فعلی عراق را در اقداماتی میتوان مثال زد که از زمان روی کار آمدن حزب بعث (۱۹۶۸) در جهت برپائی یکنوع اصلاحات به اصطلاح سوسیالیستی ولی در واقع در راه تحکیم بورژوازی دولتی فاشیستی عملی گردیده است.

در عراق فئودالیسم با آنکه بوده شده، صنایع و کارخانههای بزرگ، تجارت خارجی و حتی توزیع کلی فراوردههای داخلی کاملاً در اختیار بخش عمومی است و تا آنجا که اطلاع داریم صنایع نفت نیز ملی شده است. اما اینها در دست قدرتی که نماینده زحمتکشان باشد بلکه در دست دولتی است که نماینده بوروکراتها، اربابان، بورژوازی کوچک و خرده بورژواهای مرفه و مسکین سرارتنش که رهبری آنرا یک حزب ناسیونالیستی اسرائیلی که بطرز شدیداً پلیسی سازمان یافته و مسلح است، اگر دقیق تر بگوئیم، قدرت در دست یک قبیله است که حسن البکر و صدام حسین و بسیاری از رهبران رژیم بدان نسبت هستند یعنی قبیله "نکریتی" عراق یک رژیم نظامی - پلیسی سرکوبگر حکمفرماست. عراق از زمان بنیوت سلطنت (۱۹۵۸) تا امروز حتی یک مجلس شورای ملی هم نداشتند و دیده است. بدین ترتیب رژیم فاشیستی عراقی حتی حاضر به حفظ ظواهر دموکراسی بورژوازی هم نیست.

حزب بعث پس از بدست گرفتن قدرت دیگر نه حزبی سابق بنده: خرده بورژوازی نسبتاً مترقی عرب - آنطور که در اوایل دهه های ۱۹۴۰ تا نیمه ۵۰ بود - بلکه به بورژوازی دولتی تبدیل شده است. عملکرد این حزب در مقابل با جنش ملی کردها، در مقابل با کمونیستها و جنش کارگران و دهقانان، در مقابل با احقاق حق شیعیان و دیگر فرقه های مذهبی، جز سرکوب چیز دیگری نبوده است. شایان ذکر است که بیشترین فعالیت کمونیستها همواره بین اقشار محروم کردها و شیعیان بوده بطوریکه در سالهای ۶۰ نجف یکی از بهترین مراکز

کمونیستها بود و همینطور است کردستان، که پناهنگانه دائمی آنان است. در ترسیم طرح کلی سیمای عراق این نکته را نیز باید افزود که عراق را نمیتوان مانند

رژیم عراق هیچوقت بدون درگیری خارجی نفس نکشیده است.

رژیم شاه یا رژیمهای مشابه آن، مزدور امپریالیسم دانست. معاملات خارجی عراق عمدتاً با امپریالیستها ی ژاپن، فرانسه، آلمان است و بسیاری از طرحهای اقتصادی را این سه کشور به عهده دارند. امپریالیسم آمریکا و انگلیس در درجات پنجم و ششم پائین تر قرار دارند و از نظر نظامی و تسلیحاتی عراق نیاز زمیندیهای خود را عمدتاً از روسیه تامین میکند. بدین ترتیب وجود رابطه اقتصادی با امپریالیستها ی اروپائی و ژاپن و در درجات پائین تر با امپریالیسم آمریکا و انگلیس باعث میشود که از نظر سیاسی رژیم عراق از موضع بورژوازی قدرت ما نورد در چهارچوب سلطه امپریالیسم در سطح جهانی داشته باشد. همچنین این قدرت ما نورد سیاسی در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی نیز برای او وجود دارد. به همین لحاظ ما شاهد میکنیم که عراق در رابطه با مبارزه اعراب علیه امپریالیسم و اسرائیل همواره موضع گیریهای علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم - البته عمدتاً بطور تبلیغاتی و در سطح شعاعی و حرف - دارد. و همچنین عراق هر زمان که مواضع شوروی در قبال مسئله خاورمیانه را نپذیرفته آشکارا علیه آن موضع گرفته است.

عراق در رابطه با سرکوب داخلی همیشه یک سلسله مسائل خارجی را عنوان کرده تا حتی الامکان مردم را از پرداختن به مسائل درونی بازدارد. رژیم عراق هیچوقت بدون درگیری خارجی نفس نکشیده است:

درگیری با عبدالناصر، درگیری با سوریه، درگیری با سادات، درگیری با ایران زمان شاه، (که برای خود مشخصاً دلایل مهمی مانند تردیدگری نیز داشت)، درگیری با الفتح، درگیری با کمونیستها، و اخیراً درگیری با ایران جمهوری اسلامی.

## دلایل درگیری های ایران و عراق

هر چند درگیری با یک کشور خارجی جز سیاست رژیم فاشیستی عراق است اما در مورد دلایل درگیری عراق و ایران می توان چنین گفت:

رژیم عراق از زمانی که احتمال روی کار آمدن یک رژیم جمهوری اسلامی در ایران را پیش بینی میکرد (پیش از سفر آیت الله خمینی به پاریس)، نسبت به این

# پقرارباد جمهوری دموکراتیک خلق



مسئله شدیداً احساسیت نشان می داد و حا صربود با شاه هم - دست شود و علیه انقلاب خلقهای ایران توطئه کند. علت این وحشت را در تاسیر پذیر شیعیان عراق از انقلاب ایران با رهبری مذهبی (شیعی) باید دید.

رژیم عراق بخوبی می دانده که شیعیان عراق چقدر از حکومت فعلی بغداد نا راضی اند و میدانده که روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران بهانه و درس خوبی به شیعیان عراق میدهد و آنها را بر دولت بغداد میثوراند. در همین جا یادآوری می کنیم که رهبری شیعیان عراق در دست روحانیت مرتجع قرار دارد. در عراق دستجات و شخصیتهای بسیار مرتجع شیعه وجود دارند و منجمله گروهی که خود را "حزب الدعوة" می نامد و رهبری آنرا سید محمد باقر صدر بعهده دارد. این حزب معتقد است "اگر دولت اسلامی بپا شود با بیدیه آمریکا متکی بود با شوروی و چون شوروی ملحد است پس با بیدیه آمریکا اتکاء داشت". این گروهها میتوانند ستون پنجمی برای تحریک بیسن بیان باشند، و از رنجها و ستمی که بر زحمتکشان میرواد در راه برپائی یک شورس راست مذهبی سوء استفاده کنند این حزب مانند اخوان المسلمین در مصر و دیگر کشورهای عربی، حزب التحریر و جماعت العلماء پاکستان و دسته های فتوئدال و مرتجع اسلامی افغانستان به کمکهای آمریکا و سعودی متکی هستند و از سوی "برادرانشان" در ایران یعنی حزب جمهوری اسلامی مود حمایت کامل قرار دارند.

از فردای روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی در ایران، به اصطلاح برای صادر کردن "انقلاب اسلامی" به درون عراق مرتب علیه عراق تحریک شده است. در مقابل عراق چه در پاسخ به اینگونه تحریکات و چه اساساً بخاطر همزدن اوضاع در ایران از هیچ کوششی فروگذار نگذشته است:

● انفجارات متعدد در خوزستان، چه در لوله های نفت، چه در مناطق مهم دیگر، ارسال و تربیت برخی افراد قریب خورده و واداشتن آنها به اقدامات تروریستی در ایران.

● راه انداختن حملات تبلیغاتی از طریق رادیو که وقیحانه حتی با استناد به روزنامه های انقلابی و چاپ مخفی دست به تبلیغات علیه ایران می زند و بخاطر جو انحنا رطلبانه و تعصب آلود مذهبی و عملکردهای عقب مانده ای که رژیم ضد انقلابی کنونی ایران دارد شنونده های زیادی از اقشار مختلف یافته است. امری که در حد خود بهیچوجه برای نیروهای انقلابی ایران امر خوش آیندی نیست. رادیو عراق از ناحیه راست، از موضع ضد انقلابی به رژیم جمهوری اسلامی ایران حمله میکند.

با سخ کمونیستها به کسانی نظیر ته مانده های رژیم شاه سابق که برخی از آنها در عراق جمع شده اند، چیزی جز "خفه شوید!" نمیتواند باشد. هر چند که کمونیستها خود از موضع انقلابی، از موضع حمایت از زحمتکشان، رژیم کنونی ایران را افشاء می سازند ولی اینگونه حملات رژیم عراق را نیز پاسخ دندان شکن خواهند داد.

رژیم عراق علیرغم اصلاحات گوناگون نتوانسته است اعتماد زحمتکشان عراق را بخوبی جلب کند، وجود سیستم پلیسی بسیار فاشیستی مبین این واقعیت است.

● اقدام دیگر دولت عراق اخراج نا جوان مردانه ایرانیان مقیم عراق است. ایرانیانی که سالها در آنجا زندگی کرده و در جریان اختلافات بین دو کشور حکم سنگ زبرین آسیا را دارند. عراق با فاشیستی ترین برخوردها آنها را از خانه های خود اخراج کرده و در بیابانها رها می کند. خلقهای ایران چنین ستم آشکاری را از جانب رژیم ضد خلقی عراق محکوم می نمایند.

● علم کردن مجدد موضوع جزایر سه گانه از جانب عراق در واقع وسیله ایست برای دامن زدن به احساسات ناسیونالیستی ملت عراق و در جهت سیاست هائی که این رژیم در پیش گرفته است. سیاستی که در جهت پایمال کردن منافع خلقهای عراق قرار دارد.

آخرین اقدام ضد خلقی و فاشیستی رژیم عراق یعنی اخراج هزاران ایرانی شیعه مذهب از عراق و آواره کردن آنها در مرزهای بین دو کشور و علم کردن مسئله سه جزیره از جانب عراق امروز زمینه مناسبی بدست رژیم ایران داده است تا وضع ارتش را سرو سامان دهد.

طبیعی است که مردم ما در مقابل اقدامات رژیم عراق ابراز تنفر می نمایند و احساسات آنان علیه این اعمال برانگیخته میشود اما آقای بنی صدر و شوروی انقلاب و دولت و فرماندهان مزدور ارتشی، می خواهند از این فرصت استفاده کنند و با آماده باش دادن به ارتش تلاش می نمایند که وضع نابسامان ارتش را که در درون ارتش ناشی از مبارزات مستمر پیرسنل انقلابی علیه فرماندهان مزدور و علیه نوسازی ارتش آریا مهری می باشد، سامان دهند. ما امکان درگیری هائی را بین ایران و عراق از نظر نمی اندازیم ولی آنچه مهم است این است که بنظر ما وضعیت اخیر بین ایران و عراق به رژیم ایران کمک می کند که ارتش را در "سال امنیت" آنچنان که می خواهد آماده نماید و بدتها جمعی که در آغاز سال ۵۹ به گردستان کرد، همچنان ادا مدهد.

## مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می توانند حل کنند، نه عافیت جویان



## بطور خلاصه:

۱- ما هرگونه اقدام تحا و زکارانه عراق علیه ایران را جد بصورت انفجارات و تحریک عناصرنا آگیا ه در جورستان، جدا خراج ایرانیا ن مقیم عراق، چه تبلیغات دروغزنا نه و را سکرایا نه را دیوینداد، و چه پنا ه دادن به نه ما بدهنای رژیم گذشته را محکوم می کنیم .

۲- ما هرگونه اقدام ایران برای تقویت گروهها و نیروهای ارتجاعی مذهبی وابسته به محافل امپریا - لبسم آمریکا نظیر حزب الدعوة در عراق را محکوم کرده ، آنرا در چارچوب استراتژی ضد کمونیستی آمریکا در منطقه برای حفظ منافعش و بقول خود آمریکا ثیان زیر برحم الله می دانیم .

۳- ما حمایت ایران از "قیاده موقت" و مسلح کردن آنان را جزئی از اقدامات تحریک آمیز ایران و کسانی امثال چمران علیه عراق که به تیرگی روابط دو کورمی انجامد بشمار می آوریم .

۴- ما طرح مسئله جزایر سه گانه خلیج را که از جانب عراق عنوان شده و رژیم ایران آنرا وسیله ای برای تحریک احساسات شوونیستی و بسیج توده ها برای رسیدن به مقاصد ضد انقلابی خود فرار داده است محکوم می کنیم و اعلام می داریم که خلقهای زحمتکش و نیروهای آکا ه ایران و عراق فریب اینگونه مسائل را نخواهند خورد .

۵- ما قاطعانه اعلام می کنیم که بسیج نظامی و آماده باش ارتش ایران، اساسا نه برای مقابله با یک دشمن خارجی بلکه عمدتا برای آزمایش نظم ارتش، برای آماده کردن این ابزار سرکوب ، جهت قتل عام خلقهای مبارز ایران و ایجاد امنیت (که اسال شب عید، نویدش را دادند!)، می باشد. نظیر این بسیج را چند ماه پیش نیز بهنگام یورش به کردستان شاهد بودیم که ضرورت آن برای التیام شکافهای درون ارتش مورد تصدیق سران خائن و آریا مهری ارتش بود .

چگونه رژیم ایران از "قیاده موقت" و یادسته های ارتجاعی مذهبی نظیر "حزب الدعوة" علیه رژیم عراق استفاده می کند ؟

۶- مشغول کردن خلقهای قهرمان ایران که در مرحله ای از اعتلای انقلابی جهت به پایان بردن انقلاب - دموکراتیک خود بسرمی برند و مشغول کردن توده های ستمدیده و زحمتکش عراق که مرحله ای از آرامش قبل از توفان را می گذرانند، در چارچوب استراتژی امپریا - لبسم آمریکا می کنجد که می کوشد با طرح مسائل بسیار فرعی و جنک افروزی از حکومت سرمایه دازان و از سلطه خونخوارانه خویش دفاع کند و مدتی دیگر نفت و دیگر ذخائر سرشار این منطقه غنی را بفارت برد و نیروی انسانی و بازارهای خاورمیانه و خلیج را همچنان در تیول خود داشته باشد .

در آگاهی خلق بکوشیم و ارتجاع را در  
چهره ها و شگرد های رنگارنگش افشا کنیم!

بفرقا ریاد وحدت رزمنده بین توده های  
زحمتکش ایران و عراق و کلیه خلقهای عرب!

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی او!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۸ فروردین ماه ۱۳۵۹

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست